

## تولید علم و مقالات علمی - پژوهشی علوم انسانی در ایران

دکتر حسین لطف‌آبادی

بسم‌الله الرحمن الرحیم

«فمن یخلق کلین لایخلق؟ فقلنا تکفرون؟ (قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۷۷)  
(آیا کسی که می‌آفریند چون کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرد؟)

از روزی که آموزش و پرورش (وزارت فرهنگ سابق) ایران اولین قاعده آموزش و پرورش را در آغاز دهه ۱۳۱۰ هجری شمسی منتشر کرد تا حدی حائز کسب قیامت‌نامه نوآوری‌های آموزشی آن (عین نامه شماره ۱۱۲- ۳۲۹۱ مورخ ۱۳۶۳/۲/۲۲) گنجه‌ی تزیینات علمی کشور در دفتر بررسی و نظارت پژوهش وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (درجه علمی - پژوهشی) دریافت کرده است. پیش از هفتاد سال می‌گذشت آموزش و پرورش ایران در این هفتاد سال مجتهدی نداشته است که داری این درجه علمی باشد. معنی این مطلب آن است که ما از بگ سو می‌توانیم به‌خود بداییم که توانسته‌ایم به همت محققان علوم تربیتی و روانشناسی و با کوشش اعضای محترم هیأت تحریریه فصلنامه برای اولین بار در تاریخ آموزش و پرورش ایران، بگ مجتهد علمی - پژوهشی تولید کنیم و از سوی دیگر باید عمیقاً متأسف باشیم که مثلاً در شرایطی که اولین مجتهد علمی - پژوهشی روانشناسی و علوم تربیتی جهان در پایان قرن نوزدهم میلادی انسان باهوشی را چنین تأخیر بزرگی در آموزش و پرورش ایران رخ داده است. در این سالهای طولانی صدها میلیون دانش‌آموز ایرانی در مدارس صا

تحصیل کرده‌اند و میلیونها معلم ایرانی به تدریس و تربیت در این مدارس اشتغال داشته‌اند اما آموزش و پرورش ما دچار کمبودهایی از این دست بوده و هست.

اگر بخواهیم سخن محکم دیگری بگوییم، به نظر ما، آموزش و پرورش ایران، جدا از "فصلنامه نوآوریهای آموزشی"، نیازمند ده‌ها مجله علمی - پژوهشی دیگر در حوزه‌های گوناگون تعلیم و تربیت و روان‌شناسی است و در این نهاد عظیم ملی، که فراگیرترین نهاد رسمی کشور است، باید سالانه صدها و صدها مقاله واقعاً علمی - پژوهشی انتشار یابد. افزون بر این نیاز وسیع کمی، و مهمتر از آن، کیفیت تولید علم و مقالات علمی - پژوهشی و نظریه‌پردازی است که باید مورد دقت و تأکید قرار گیرد. و متأسفانه، بزرگترین مشکل کیفی در آثار علمی - پژوهشی در حوزه علوم انسانی، خاصه در تعلیم و تربیت و روان‌شناسی در ایران، ناستواری بنیادهای نظری در این آثار است.

خلق و تولید علم در علوم تربیتی و روان‌شناسی بدون تکیه‌گاههای بنیادی محکم اعتقادی و فلسفی فاقد ارزش واقعی است. دیدگاههایی که علوم انسانی را صرفاً بر تجربه‌گرایی<sup>۱</sup> و حسی‌گرایی<sup>۲</sup> و فلسفه تحلیلی<sup>۳</sup> قرار می‌دهند، هر چند جلوه‌هایی سطحی از تولید علم را پیش روی ما می‌گذارند، اما به دور از معناداری پژوهشی و ناتوان از حل ریشه‌ای مسائلی هستند که در تعلیم و تربیت و روان‌شناسی گرفتار آیم. تولید علم در حوزه علوم تربیتی و روان‌شناسی یک رویکرد ریشه‌دار و نظام‌یافته و تخصصی در پژوهش است. خطا است اگر تصور کنیم که تحقیق در علوم تربیتی و روان‌شناسی صرفاً مرتبط با کشف و شناخت پدیده‌ها، اهداف گوناگون دیگری دارند که مهمترین آنها ایجاد و گسترش نظریه‌ها به منظور تبیین پدیده‌های حوزه‌های مذکور است. همین تبیین عمقی و نظریه‌پردازی است که تولید علمی اصیل را از محصولات ساده علمی جدا می‌کند. مقالات علمی - پژوهشی را نیز می‌توان با توجه به چنین نگرشی مورد ارزیابی قرار داد. این نوع از ارزیابی، متفاوت از روش گزارش‌دهی رسانه‌ای در کشور است. گزارشگران پژوهشی مراکز آموزش عالی در کشور ما، وقتی از مقالات علمی - پژوهشی و رشد تعداد این مقالات در سالهای اخیر سخن می‌گویند، اولاً و اساساً علوم طبیعی و زیستی و پزشکی را مد نظر دارند، ثانیاً توجهی به تفاوت بنیادی تحقیقات نظری و تحقیقات ساده کاربردی و توسعه‌ای ندارند، و ثالثاً فراموش می‌کنند که سهم مقالات علوم انسانی در این آمارها بسیار اندک است.

واقعیت این است که وضع موجود تولید علم در دانشگاهها و مراکز پژوهشی ایران، خاصه در علوم انسانی، رضایت‌بخش نیست. در گزارشهایی که در مورد وضعیت تولید علم در جهان ارائه می‌شود شاهد هستیم که از لحاظ میانگین ده ساله تولید علم رتبه ۵۱ از آن ایران است. حتی در حوزه‌های علوم طبیعی و زیستی و پزشکی، ک در سالهای اخیر پیشرفت نسبتاً قابل توجهی داشته‌ایم، تولید علمی کشور ما کمتر از کشورهای نظیر ترکیه و در حد عربستان و مصر است. از سوی دیگر، وضع تولید علم در علوم انسانی واقعاً ضعیف‌است و ما از کشورهایی چون برزیل و هند و تایوان نیز عقب‌تر هستیم. مثلاً در اطلاعات مربوط به چاپ مقالات در مجلات علمی - پژوهشی جهانی که مؤسسه اطلاعات علمی (ISI) در دهه اخیر (از سال ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳) ارائه کرده و بارها توسط آموزش عالی کشور نقل قول شده است، از تعداد کل ۳۱۵۰ مقاله

منتشر شده توسط اسنادان و محققان دانشگاه‌های کشور در مجلات مذکور (که عموماً در رشته‌های طبیعی و فیزیک و پیشر و داروسازی و برق و مکانیک و هنر از آن است) فقط نیم درصد در حوزه علوم انسانی است. اما با نژاد من‌دهد که ملاک طی سالهای ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ از منحصیبان ابراس کشور از ۲۰۰ مقاله علمی- پژوهشی در علوم انسانی در مجلات ISI-جاب شده است که ۵۵ عنوان از آنها مربوط به رشته روانشناسی است و در حوزه‌های دیگر علوم انسانی، چون تعلیم و تربیت و جامعه‌شناسی و الهیات و فلسفه و حقوق و قانون و اقتصاد و تجارت و ارتباطات و هنر و باستان‌شناسی و رشته‌های منابه، رقم قابل دگری وجود ندارد در سایر شاخه‌های پشرف علمی نیز کمبودهای منابه وجود دارد ملاک در مقایسه‌های جهانی دانشگاه‌ها نیز، در حالی که ۳۵ دانشگاه از ژاپن و ۱۹ دانشگاه از چین و ۷ دانشگاه از کره جنوبی و ۳ دانشگاه از هند و ۶ دانشگاه از سنگاپور در فهرست دانشگاه‌های برتر جهان قرار دارند، کشور ما نتوانسته است حتی بگ‌مورد از ۵۰۰ دانشگاه برتر جهان را به‌خود اختصاص دهد.

جدا از ایرادهای اساسی که منبکن است در مورد معیارهای تولید علم و مقالات علمی- پژوهشی معسول در میان غریبان دانشه بلتیب که داریم، واقعیت این است که حتی با همان معیارها نیز، ما اولاً با سه مشکل اساسی مواجه هستیم: اول، آنکه جایگاه قابل ملاحظه‌ای در انشور مقالات علمی- پژوهشی نداریم؛ دوم، آنکه وضع انشور مقالات علوم انسانی ایرانی در مجلات ISI در پایین‌ترین سطح است؛ و سوم، آنکه بخصوص مقالات علوم انسانی ما هم دچار فقر کسبی و هم گرفتار ضعف‌های اساسی کیفی و نظری است. همین نکته اخیر، بمنس قشر تئوریک و ضعف کیفیت پژوهش‌ها و مقالات علمی- پژوهشی در علوم انسانی، است که موضوع اصلی بحث کنونی ما است.

به نظر مد محققان علوم تربیتی و روانشناسی وقتی قادر به تولید پر کیفیت علمی در این حوزه‌ها خواهند بود که بهترین بنیادهای فلسفی مربوط به ماهیت و اقمبتهای علوم انسانی و علوم تربیتی و روانشناسی و جگ‌گونگی دستیابی به دانش در این حوزه‌ها را مورد تاکید و توجه قرار دهند. از انجا که محققان متعلق به نخبه‌های گوناگون فلسفی دیدگاه‌های متفاوت و متعارضی دارند، ما باید قبل از پرداختن به پژوهش، تکلیف خود را از بابت بنیادهای فلسفی پژوهش در علوم انسانی روشن کنیم و پژوهش‌های خود را به‌توجه‌ای آگاهانه بر بنیادهای محکم قرار دهیم. فرض ما در بحث از تولید علم و کیفیت مقالات علمی- پژوهشی در علوم انسانی و در علوم تربیتی و روانشناسی در ایران، آن است که این تولیدات، که عموماً در مجلات علمی- پژوهشی کشور به حساب می‌روند، دچار ضعف‌های اساسی در بنیادهای نظری هستند.

فقر تولید علم در کشور ما بگ‌مشکل تاریخی و سیاسی و فرهنگی و روانشناختی است. تولید علم وظیفه دانشمندان و نیازی قطعی برای دانشمندان است. دانشمندان ما باید به‌گونه‌ای تهاجس و بروقنه به خلق انوری بپردازند که برتر و استوارتر از تولید علم در حوزه علوم انسانی در فرهنگ‌های منطقه‌گر جهانی است. تولید علم در ایران را نمی‌توان و نباید جدا از بیداری ما ایرانیان در ربع قرن اخیر و موانع و چالتهای این بیداری در نظر آورد و نیز، بیداری اسلامی و ایرانی نمی‌تواند جدا از خلافت علمی در حوزه‌های علوم انسانی، که پیش از هر علمی دچار کمبود و بنگه سردگی است، به‌حساب آید. ما نه فقط به تولید علم بنگه به اجزای علوم انسانی نیازمندیم، بسیاری کمالاتی که از انفجار اطلاعات و از جهان‌بینی علوم انسانی و گسترش جهانی این علوم، که اساساً در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی غربی تولید می‌شود، سخن می‌گویند و شبفنگی بدون قید و شرط خود را

نسبت به آن ایران می‌تواند، اما فراموش می‌کند، که در عصر حاضر، خاصه به دلیل تسلط و تسلط بر خود و حسیس نگرشهای غربی به انسان و مسائل او، که هر روز به‌صورتی و با نامهای فریبدهای چون دموکراسیسم و لیبرالیسم و مدونیسم و پست‌مدونیسم و امثال اینها معرفی می‌شوند، علوم و راه‌های بخش انسانی نیز دچار اشنگنگی و هججوری و بنگه ایزو مسئله‌گری قدرتهای اقتصادی و تکنولوژیگ و نظامی و سیاسی جهانی است. به همین جهت، هر بگ از ها که بتوانیم این اشنگنگی و هججوری را کاهش دهیم، و به آن اندازه که چنین کنیم، تابندهٔ انیم که خود را دانش دوست و دانشمند بدانیم.

از خودبستگی علمی و چشم‌دوختن به مقالات علوم انسانی غربیان برای شناخت و تبیین مسائل انسانی و تکرار نظریه‌ها و یافته‌های پژوهشی آنان نخواهد توانست ما را به تولید علم در راستای پیداری و پیشرفت برساند. دانشمندان روانشناسی و علوم تربیتی در ایران باید به تولید علم در حوزه‌های تخصصی خود به چشم تازه‌های بنگرند، و دیالوگی از نگرش مسلط غربی در این حوزه‌ها را کنار بگذارند. ما نیاز به آن داریم که دیدگاه‌های محدودنگر پژوهشی تحجینی و اثبات‌گراییهٔ غربیان را پشت سر گذاشیم و یا اجتهاد و سازنگری در پژوهش‌های موجود پیداری علمی و مقاومت علمی در علوم انسانی در ایران و در نزد دانش‌پژوهان کنشورهای مشابه خود را تحقق بخشیم. مسئلهٔ تولید علم در حوزهٔ علوم انسانی متفاوت از دیدگاه‌های تحجینی سکولار و اصلاحات غرب‌گراییهٔ در پژوهش‌های علمی است. ما نیازمند بگ تحول‌جیل در نظریه‌پردازی و پژوهش در روانشناسی و علوم تربیتی هستیم. برای این منظور، اولین کار آن است که همهٔ متفکران و دانشمندان و دانش‌پژوهان روان‌شناسی و علوم تربیتی ایران، که دل در گرو تاریخ و فرهنگ ما دارند، پیداری علمی، مقاومت علمی، و تولید علم را اصلی‌ترین هدف حرفه‌ای خود قرار دهند.

بدترین اتفاقی که در بین بسیاری از متخصصان علوم انسانی ما افتاده است این است که می‌خواهند اعتماد و شان علمی خود را از متخصصان جامعه‌شناسی و روانشناسی و علوم تربیتی در دانشگاه‌های غربی بگیرند، و گویا آنچه را که آنان می‌گویند، علم است و آنچه پدیدون شک همهٔ ما از دانش غربیان در علوم انسانی بهره گرفته و می‌گیریم، اما نباید آن نوع از دانش را که بر بنیاد نگرش تحجینی و اثبات‌گرایی استوار شده است، همواره اصلی اعتماد و شان علمی تولید علم و آثار و مقالات علمی - پژوهشی خود قرار دهیم. راه پیداری در عصری که دانش تحجینی غربی در علوم انسانی راه‌های آن باشد، نمی‌تواند ما را در دستیابی به چشم‌انداز بیست سالهٔ کنشور کمک کند.

تولید علم در چشم‌انداز ۲۰ سالهٔ جمهوری اسلامی ایران از اولویت ویژه برخوردار است و ایران را از چشمهٔ کنشوری توسعه‌یافته با جایگاه اول علمی در سطح منطقه، یعنی بر دانایی، توانا در تولید علم، سازماندهی و بسیج امکانات و ظرفیتهای کنشور در جهت کسب پژوهش و علم و افزایش سهم کنشور در تولیدات علمی جهان، ترسیم می‌کند. تأکید این چشم‌انداز، از همان آغاز، بر توسعه‌یافتگی کنشور با گذار از موقعیت در حال توسعهٔ کنونی، متناسب با مقتضیات فرهنگی و تاریخی منگی بر اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی و علمی است. همچنین، در بخش مربوط به امور فرهنگی و علمی و فناوری، در این سند علمی بر اصنلا و عمق‌بخشیدن به معرفت و بصیرت دینی بر اساس تعالیم قرآنی و مکتب اهل بیت، کو تحکیم فکری و علمی ارزشهای اسلامی و تقویت فضائل اخلاقی و روحیهٔ ایمان، تأکید می‌شود. اما واقعیت این است که وضع موجود کنشور از پایت تولید علم فاصلهٔ زیادی با چشم‌انداز مذکور دارد. این فاصله را با خلق آثار و نوآوریهای علمی می‌توان پدید

در شرایطی که تهاجم وسیع جهانی‌سازی و معیارها و ارزشها و سبک زندگی غربی در همه‌جای جهان گسترش بی‌سابقه‌ای می‌یابد ما اگر نتوانیم معیوبیت‌ها در حوزه علوم انسانی حرف اول را در جهان بزیم میسازیم به رتبه و پیشرفت و حتی به بقای فرهنگ من خود نمی‌توانیم داشته باشیم مسئله اساسی این است که تولید علم در حوزه علوم انسانی در کشور ما دچار فقر کیفیت است. نظرپردازی و مطالبات بنیادی در علوم انسانی، خاصه در تعلیم و تربیت و روانشناسی، بسیار ضعیف و اندک است. تحقیقات کیفی در این حوزه‌ها نه به درستی شناخته شده است و نه رواج و رونق دارد. بر اکثر مقالات علوم انسانی و اجتماعی سنگ نگرش پل‌بنویستی ناآگاهانه (و گاه آگاهانه) حاکم است و شاهد هستیم که همین نگرش نیز در بسیاری از مقالات علمی- پژوهشی ما حتی نسبتاً تر از روش و محتوای مقالات علوم انسانی غربی نمود پیدا می‌کند. در این مقالات، غالباً معرفت انسانی به شناخت حسی و تجربی محدود می‌شود و وحی و ایمان و شهود و تعقل و توجه به احساس مسائل انسانی به‌کلی نادیده گرفته می‌شود و حقیقت و خیر و زیبایی و کمال، جای محکمی در علوم انسانی جدید ندارد.

و چنین است که ما امروز در مقالات و مجلات علمی- پژوهشی علوم انسانی به تعداد کمی از دانشمندان و محققان برمی‌خوریم که به فلسفه علم، به فلسفه تعلیم و تربیت، به چارچوب‌های نظری و نظام مفهومی علوم انسانی، به بنیادها و ارزشها و اصول تربیت و روانشناس انسان، و به خردورزی علمی در این پژوهشها توجه کافی داشته باشند. کم‌بیشند پژوهشگرانی در دانشگاههای ما که گمان می‌کنند علوم انسانی در غرب حرف آخر را می‌گویند و ما باید راه و روشهای علمی موجود در مجلات علمی- پژوهشی غربی را دنبال کنیم و چنین است که مجلات علمی- پژوهشی در علوم انسانی ما نیز تقلید ناقصی از مجلات علمی غربی است. ما هم دچار فقر نوآوری و نظرپردازی علمی و هم گرفتار کپی‌توانی در نوآوریهای علمی هستیم. نظریه‌های زیربنایی در علوم تربیتی و روانشناسی ایران ارائه نمی‌شود و در روشها و معیادها نیز نتوانستیم مرزهای علمی را بسنجیم. ما بیشتر مواجه با بازتولید و تکرار و اختراعی در تولید علم هستیم نه نوآوری و نوآوری و خلق و تولید علمی‌ها باید کلام الهی آغاز سخن را هدایتی تلقی کنیم و بدانیم که بین خلقت و تقلید و بین نوآوری و نسخ‌پردازی تفاوت عظیمی است.

راه راست در تولید علم در حوزه علوم انسانی وقتی پیش روی ما گشوده خواهد شد که محکمانت وحی الهی و در یافته‌های تهودی و عقلانی را الهامبخش و بنیاد نظریه‌پردازیها و پیش‌فرضها و فرضیه‌سازیهای علمی در علوم تربیتی و روانشناسی قرار دهیم و این فرضیهها را با استفاده از روشهای محکم علمی و ارزشون آنها در عرصه مشاهده و تجربه به قانونهای علمی برمی‌تابیم و پیش‌بینی و کنترل پدیدههای علوم انسانی تبدیل کنیم و به نظریهها و راهبردهای جدید علمی دست یابیم.

ما نیازمند تولید علم در چگونگی تولید علم در علوم انسانی و در روانشناسی و تعلیم و تربیت هستیم. روش تحقیق درست در علوم انسانی نیازمند نگرش دوباره بر بنیادها و اصول و روشهای پژوهش علمی است. به جرئت می‌توان گفت که آنچه فعلاً در دانشگاههای ما در حوزه روش تحقیق در علوم انسانی تسویب می‌شود غالباً به‌دور از رویان نظریه و بنیادها و اصول پژوهش است و صرفاً بر فلسفه و روشهای تحلیلی با اثبات‌گرایی منطقی و دیدگاههای رفتارگرایی از پدیدههای انسانی مبتنی است که روش علمی را عملاً جدا از نظریه می‌داند. اگرچه در حوزههای ادیان و عرفان و فلسفه در دانشگاههای ما دانشمندان هستند که رویکردهای بنیادی و

اصول و اساس پژوهش‌های خود قرار می‌دهند اما در میان دانشمندان و محققان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و تعلیم و تربیت کمتر به پژوهشگرانی بر می‌خوریم که اعتقادی کافی به روایی نظر به‌ها و بنیادها و اصول تحقیق نیز داشته باشند و از آنجا که به نظر محققان پژوهش‌های تحقیق را نیز نمی‌تواند در معنای درست کلمه از نظر به‌ها و بنیادها و اصول تحقیق جدا کرد. بیشتر مقالاتی که با عنوان علمی-پژوهشی در مجلات علوم انسانی چاپ می‌شود الزاماً دارای همه‌جانبه‌نگری و پویایی مفاهیم نظر و عمل نیست بلکه گرفتار ضعف روایی نظری و بنیادی و اصولی است هر چند روش تحقیق علمی را در مفهوم تحقیق کلمه به کار می‌گیرند.

تولید علم نه تنها از لحاظ پهنای علمی بلکه از نظر حفظ و تقویت هویت دینی و ملی ما نیز حائز اهمیت اساسی است و کودک کنونی علم‌مندانان یکی از دلایل اساسی تسلط جوامع غربی بر آنان است. این مشکل هم در علوم به معنای عام و هم در علوم انسانی به معنای خاص، به‌شدت مشاهده می‌شود و قبلاً ما از آن است که در حوزه تخصصی خود در مباحث و ساختارها و مفاهیم و روشها و ابزارهای علمی در پژوهش‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی تجدید نظر کنیم تنها از این طریق است که هم می‌توانیم در این علوم صاحب نظر به‌های خاص خود باشیم و از علوم تربیتی و روان‌شناسی غربی سبقت بگیریم و هم قادر خواهیم بود از مستحاله نخبگان و دانش-پژوهان همین خود در علوم تخصصی واردات غیر بی‌سنگیری کنیم سطحی‌نگری در تحقیقات، پرهیز دادن به آموزش و کمتوجهی به پژوهش، ناهماهنگی پژوهشها با نیازهای نظری و کاربردی کشور در علوم انسانی، تقلید نسنجیده از مباحث و ساختار و روش پژوهش‌هایی که در مجلات علمی-پژوهشی غربی به چاپ می‌رسد، انگیزه ضعیف بسیاری از اعضای هیأت علمی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور برای طراحی و اجرای پژوهش‌های اصیل در علوم انسانی و علوم تربیتی و روان‌شناسی، و کمتوجهی مسوولان پژوهش کشور به ضرورت گسترش پژوهش در این علوم در شمار عواملی است که تولید علم را با مشکل مواجه ساخته است.

فصلنامه علمی-پژوهشی نوآوریهای آموزشی امیدوار است که با استعانت از خداوند مصلح، با کمک اسنادان ارجمند همکار خود و خاصه با نیروی ایمان و انگیزه و دانش و خردمندی و اخلاقیات دانشمندان جوان ایران در حوزه روان‌شناسی و تعلیم و تربیت، بقدری، در راهی گام بگذارد که ضرورت دستیابی به علوم انسانی مبتنی بر وحدت بنیادهای ارزشی و اصولی و اقلیتی و روشهای پژوهشی محکم است. با چنین نگرشی است که می‌توانیم از دیدگاههای تحقیقی محدودکننده، که خردورزی و داوری ارزشی را کنار می‌گذارد و به جای آنکه پژوهش علمی را در پهنای فراگیر جریان دهد بر این فرض استوار است که گویا می‌توان علوم انسانی را با معیار علوم طبیعی سنجید. فاصله بگیریم و پژوهش در مورد انسان و مفاهیم روانی-تربیتی در علوم انسانی را چنان ایجاد دهیم که زمینه‌ساز اعتدالی تعلیم و تربیت نسل جدید کودکان و نوجوانان و جوانان ایران و دست‌یابی رونق بی‌همانی علمی در همین ما گردد.